

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات
۹۱۱

تحول تاریخی اصل براءت در منابع اصولی فریقین

press.um.ac.ir

محمد رضا ولائی چمن آباد
دکتر محمد تقی فخلعی
استاد دانشگاه فردوسی مشهد

سرشناسه: ولای چمن آباد، محمدرضا، ۱۳۷۵-
 عنوان و نام پدیدآور: تحول تاریخی اصل برائت در منابع اصولی فریقین/ محمدرضا ولای چمن آباد، محمدتقی
 فخلعی؛ ویراستار علمی عباسعلی سلطانی؛ ویراستار ادبی جواد میزبان.
 مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۵۸ ص.
 فروست: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۹۱۱.
 شابک: ISBN: 978-964-386-607-5
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
 یادداشت: کتابخانه. نمایه.
 یادداشت: کتاب حاضر در اصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدرضا ولای چمن آباد است.
 موضوع: برائت (فقه)
 برائت (فقه اهل سنت)
 فقه جعفری -- قرن ۱۵
 فقه اهل سنت -- قرن ۱۵
 فخلعی، محمدتقی، ۱۳۴۴ -
 سلطانی، عباسعلی، ۱۳۴۱-، ویراستار
 دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
 شناسه افزوده: BP163/2
 شناسه افزوده: ۲۹۷/۳۱
 شناسه افزوده: ۹۵۹۵۸۸۷
 رده‌بندی کنگره: ۲۹۷/۳۱
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۹۵۸۸۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۵۸۸۷

تحول تاریخی اصل برائت در منابع اصولی فریقین

پدیدآورندگان: محمدرضا ولای چمن آباد، دکتر محمدتقی فخلعی
 ویراستار علمی: دکتر عباسعلی سلطانی
 ویراستار ادبی: دکتر جواد میزبان
 مشخصات: وزیری، ۱۵۰ نسخه، چاپ اول، بهار ۱۴۰۳
 چاپ و صحافی: همیار
 بها: ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال
 حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.



انتشارات
۹۱۱

مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
 تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
 مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست
 گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
 مؤسسه دانشوران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
 تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۷	تبیین موضوع
۸	اصل برائت در گذرگاه تاریخ از ادیان بزرگ تا نظام‌های حقوقی
۹	پیشینه اصل برائت در ادیان گذشته
۹	اصل برائت در آیین یهود
۱۱	اصل برائت در آیین مسیحیت
۱۲	برائت در نظام‌های حقوقی مدرن
۱۲	فرض بی‌گناهی در جوامع غربی
۱۴	پیشینه تحقیق
۱۴	اهمیت تحقیق
۱۴	روش تحقیق
۱۵	یک‌رندی مباحث
۱۷	فصل ۱. اصل برائت در تطور تاریخی اصول فقه اهل سنت
۱۷	درآمد
۱۸	۱-۱. مروری بر سیر تحول اصل برائت
۱۸	۱-۱-۱. دوره تأسیس علم اصول
۱۹	۱-۱-۲. دوره تدوین علم اصول
۲۰	۱-۱-۳. نگاهی گذرا به سیر تاریخی اصل برائت
۳۱	۲-۱. بررسی تفصیلی و محتوایی سیر تحول اصل برائت در مذاهب اهل سنت
۳۱	۱-۲-۱. خاستگاه‌های اصل برائت
۳۱	۱-۱-۲-۱. حکم اصلی اشیاء پیش از شرع
۳۴	۲-۱-۲-۱. اصل اباحه
۳۷	۳-۱-۲-۱. استصحاب حکم عقل و یا استصحاب حال برائت ذمه
۴۵	۴-۱-۲-۱. قاعدة عدم الدلیل دلیل العدم
۴۹	۵-۱-۲-۱. دلیل نافی حکم
۵۱	۶-۱-۲-۱. توجه به برائت به مناسبت مبحث نسخ

- ۲-۲-۱. مجاری اصل برائت ۵۱
- ۱-۲-۲-۱. جریان اصل برائت در دوران امر بین اقل و اکثر ۵۲
- ۲-۲-۲-۱. جریان اصل برائت در باب تعارض و تراجیح ۵۵
- ۳-۲-۲-۱. جریان اصل برائت در مواجهه با حجیت خبر واحد ۵۶
- ۴-۲-۲-۱. جریان اصل برائت در تعیین فوریت یا تراخی مأمور به ۵۷
- ۵-۲-۲-۱. جریان اصل برائت در عدم وجوب تکرار مأمور به ۵۹
- ۶-۲-۲-۱. جریان اصل برائت در تقابل با قیاس ۶۲
- ۳-۱. توسعه بحث در گذر زمان ۶۲
- ۱-۳-۱. استنباط اصل برائت از ادله نقلی ۶۲
- ۲-۳-۱. برائت اصلی، قاعده فقهی ۶۵
- فصل ۲. اصل برائت در تطور تاریخی اصول فقه امامیه ۷۱**
- ۱-۲. مرور تاریخی بر تحول اصل برائت ۷۱
- ۲-۲. بررسی محتوایی ۸۴
- ۱-۲-۲. اصل برائت پیش از دوره استقلال ۸۴
- ۱-۱-۲-۲. خاستگاه‌های اصل برائت ۸۴
- حکم اصلی اشیاء پیش از تشریح ۸۴
- أ. أصالة الاباحه ۸۷
- ب. استصحاب حکم عقل و یا استصحاب حال برائت ذمه ۸۹
- ج. قاعده عدم الدلیل دلیل العدم ۹۱
- د. دلیل نافی حکم ۹۴
- هـ. ذکر اصل برائت به مناسبت بحث نسخ ۹۶
- و. دلیل عقل ۹۶
- ۲-۱-۲-۲. مجاری اصل برائت ۹۸
- أ. جریان اصل برائت در دوران امر بین اقل و اکثر ۹۸
- ب. جریان اصل برائت در باب تراجیح ۱۰۰
- ج. جریان اصل برائت در مواجهه با حجیت خبر واحد ۱۰۱
- د. تمسک به برائت ذمه در فروع فقهی ۱۰۲
- ۲-۲-۲. اصل برائت پس از استقلال ۱۰۴
- ۱-۲-۲-۲. فاضل تونی (م ۱۰۷۱) ۱۰۴
- ۲-۲-۲-۲. عصر وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵) ۱۱۰
۱. تفکیک بین امارات و اصول عملیه و حکم ظاهری و واقعی ۱۱۱

۱۱۴	۲. تبیین حالات شک مکلف.....
۱۱۶	۳. برانت عقلی و شرعی.....
۱۱۸	۴. رجحان احتیاط در همه شبهات.....
۱۱۹	۵. جریان اصل تخیر در شبهات حکمیه با منشأ تعارض نصوص.....
۱۲۰	۶. تقسیم شبهات موضوعیه به محصوره و غیر محصوره.....
۱۲۳	۷. شروط جریان اصل برانت.....
۱۲۶	۲-۲-۳. عصر شیخ انصاری (م ۱۲۸۱).....
۱۲۶	۱. تقسیم مباحث علم اصول بر اساس حالات مکلف.....
۱۲۶	۲. تبیین مجاری اصول عملیه.....
۱۲۷	۳. تبیین و تقسیم جامع ادله استنباط احکام شرعی.....
۱۲۸	۴. تبیین اقسام حکم شرعی.....
۱۲۹	۵. تأخر رتبه ادله فقاهتی از ادله اجتهادی.....
۱۳۰	۶. اقسام شک مکلف.....
۱۳۱	۷. تبیین منشأ شبهات حکمیه و موضوعیه.....
۱۳۱	۸. شبهات محصوره و غیر محصوره.....
۱۳۱	۹. جایگاه مسئله اقل و اکثر.....
۱۳۲	۱۰. شک سببی و مسببی.....
۱۳۲	۲-۲-۴. شهید صدر (م ۱۲۸۱).....
۱۳۲	۱. نظریه ابتکاری حق الطاعه.....
۱۳۵	۲. تقسیم دوگانه اباحه.....
۱۳۷	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۱۴۱	فهرست منابع و مأخذ.....
۱۴۹	نمایه اشخاص.....
۱۵۳	نمایه اصطلاحات.....
۱۵۶	نمایه آیات.....
۱۵۷	نمایه احادیث.....

press.um.ac.ir

مقدمه

تبیین موضوع

امروزه دست یازیدن به پژوهش‌های تاریخی و پرداختن به سیر تحولات یک علم و یا شاخه‌ای از آن از اهمیت بسزایی برخوردار است و بر سر اصل فایده‌مند بودن آن نزاعی نیست؛ به‌گونه‌ای که برخی از متفکران، پرداختن به پژوهش‌های تاریخی را راه نجات و ترقی علوم می‌دانند. تکامل و تحول علوم پس از شکل‌گیری و جوانه زدن در پره‌های مختلف، امری مسلم است. دانش اصول فقه نیز از این قاعده مستثنا نیست و مسائل آن به‌یک‌باره پدید نیامده، بلکه پیوسته و در طی قرون متمادی به‌وسیله دانشمندان بر دامنه، فروع و شعبه‌های آن افزوده شده است. به‌عنوان نمونه باید دانست که بسیاری از مباحث علم اصول در دوره‌های نخستین استقلال موضوعی نداشته، بلکه در خلال مسائل فقهی مطرح و به‌تدریج استقلال یافته است.

اصول فقه همواره به‌عنوان دانش ابزاری در خدمت اجتهاد و استنباط احکام شرعی قرار داشته و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است. با گذر زمان و طرح مسائل و فروع جدید فقهی به‌تناسب و برحسب نیازهای حادث، نگرش و تأمل در مباحث علم اصول بیشتر شده، به‌گونه‌ای که پیوسته شاهد توسعه و رشد این مباحث بوده‌ایم؛ به این دلیل باید گفت فزونی یافتن نیازهای فقهی سبب طرح موضوعات جدید نزد اصولیان شده است و در مقابل، توسعه موضوعات و مباحث اصولی، راه را برای استنباط فقهی هموارتر و ابزار لازم را برای فقیه بیشتر فراهم کرده است. آنچه در این میان حائز اهمیت است، توجه به بسترها، عوامل و زمان پیدایش علوم، مؤسسان و مؤلفان آن، بررسی دوره‌های مختلف و متعدد علوم، نگاه جامع به پیدایش مسائل علم و تحولات آن علم است؛ زیرا این بررسی‌ها سبب پی بردن به عوامل پیشرفت و یا رکود علمی می‌شود.

تاریخچه‌های مختصری که در خلال برخی از کتب، به‌طور مستقل و یا در آغاز کتاب‌های اصولی گرد آمده است، گرچه وجودی سودمند داشته و توانسته در حد قابل قبولی پرده از تطورات تاریخی دانش اصول، به‌ویژه از دریچه مطالعات مذاهب اهل سنت، بردارد؛ ولی نتوانسته است نیازمندی

مذهب شیعه امامیه را که قطعاً پس از اهل سنت، گسترده‌ترین مذهب اسلامی به لحاظ گستره کمی را تشکیل می‌دهد و در آن تراش عظیم اصولی از قبیل مختصرالتذکره، الذریعه، العده، معارج الاصول، تهذیب الوصول، معالم الدین، الوافیه، الفوائد الحائریه، قوانین الاصول، فصول الغرویه، فرائد الاصول، کفایه الاصول، بحوث فی علم الاصول، دروس فی علم الاصول و صدها کتب مهم دیگر گردآمده، تأمین کند.

اصل برائت که از آن با تعبیری چون: «اصالة الاباحة»، «عدم الدلیل»، «برائة الاصلية»، استصحاب حکم عقل و استصحاب حال نیز یادشده، به‌عنوان یکی از اصول بسیار گسترده و پرکاربرد در فقه و اصول مذاهب اسلامی به‌خصوص مذهب امامیه شناخته می‌شود و اهمیت آن تا حدی است که بسیاری از مسائل فقهی مذاهب، بر اساس این قاعده تبیین و تحلیل شده است. همچنان‌که اصل برائت در برشگاهی از تاریخ اصول امامیه در کانون نزاع و نقطه اصلی افتراق دو جریان اصولی و اخباری قرار داشته است؛ با توجه به این جایگاه، بررسی سیر تحول و تطور تاریخی اصل برائت جایگاه مهمی در تاریخ فقه و اصول دارد؛ علاوه بر اینکه به‌وسیله این مباحث تاریخی می‌توان مدعی اثرپذیری اصول شیعه از اصول اهل سنت و نیز در حاشیه بودن اصول امامیه نسبت به اصول اهل سنت را در بوته نقد قرارداد و راستی آزمایی کرد.

سیر تحولات این اصل در طول تاریخ در گرو بررسی انظار و دیدگاه‌های فقیهان و اصولیان مذاهب اسلامی در این باره است. این تحقیق ضمن بررسی این دیدگاه‌ها می‌کوشد تصویری جامع از تطورات تاریخی مباحث نظری اصل برائت و جایگاه و قلمرو حضور آن در رشته مباحث دانش اصول ارائه کند.

اصل برائت در گذرگاه تاریخ از ادیان بزرگ تا نظام‌های حقوقی

رسالت این جستار مرور بر سیر تاریخی تحول و تطور ابعاد مفهومی و نظری برائت به‌مثابه شاخه‌ای از مباحث دانش اصول در مذاهب اسلامی است؛ لیکن از باب درآمد شایسته است دامنه نگرش توسعه یابد و موقعیت این اصل در ادواری از تاریخ بشر از ادیان و شرایع بزرگ گرفته تا مکاتب و نظام‌های حقوقی دوران مدرن اندکی بررسی شود؛ گرچه اذعان به عقلی بودن پایه‌های استوار این اصل به آن موقعیتی ممتاز و فراتر از زمان‌ها و دوران‌ها می‌بخشد و طرح فرضیه سبقت این یا آن جریان

و نحلۀ فکری و علمی و یا استقلال و وابستگی مباحث آن را بی ثمر و لغو می نمایاند.

پیشینه اصل برائت در ادیان گذشته

این گمانه از سوی برخی نامطلعان مطرح است که قواعد، ضوابط و آموزه‌های تشریحی اسلام برگرفته از ادیان پیشین است و از اصالت برخوردار نیست. گرچه وجود دیرینه اصول آموزه‌ها در ادیان و شرایع پیشین لازمه تکامل تدریجی و فرایندی شریعت‌هاست؛ به‌ویژه آن دسته از قواعد و ضوابطی که ریشه‌های عقلی و فطری دارد و از این ناحیه قدحی بر شریعت لاحق وارد نیست؛ از این رو امضائات هیچ‌گاه استقلال شرایع را نشانه نگرفته است، بلکه هم‌سویی و هدفمندی مشترک ادیان، مقتضای طبع ذاتی و ناشی از وجود سرچشمه‌های وحیانی آن‌هاست، لیکن در نگرشی مقایسه‌ای ژرفای بسط‌یافتگی این آموزه‌ها در دل تجارب تاریخی و اندیشه‌های مسلمانان به‌خوبی قابل تصدیق است. در هر صورت ریشه‌های اصل برائت را می‌توان در متون مقدس ادیان پیشین نظیر یهود، زرتشت و مسیحیت جستجو کرد و شواهدی را در خصوص مطرح بودن مسئله برائت به‌عنوان یک اصل مسلم حقوقی در میان این ادیان سراغ گرفت.

اصل برائت در آیین یهود

عهد عتیق^۱

با کندوکاو در عهد عتیق به‌ویژه کتاب مقدس تورات که به‌عنوان نخستین منبع حقوق جزای یهود محسوب می‌شود، با قوانینی مواجه می‌شویم که نشان از وجود قاعده کلی اصل برائت ذمه افراد در شریعت یهود دارد.

- در سفر اعداد دستور به برائت ذمه و نفی مجازات قاتل پیش از محاکمه داده‌شده: «تا قاتل پیش از آنکه به حضور جماعت برای داوری بایستد، نمیرد.»^۲؛
- در سفر تثبیه فرض اولیه برائت ذمه افراد دانسته شده و برای اقامه دعوی و تعقیب در دادگاه، وجود دست‌کم دو شاهد ضروری شمرده شده است: «از گواهی دو یا سه شاهد، آن شخصی که

۱. نخستین و مهم‌ترین منبع الهی که از قداست ویژه‌ای نزد یهود و مسیحیت برخوردار است، کتاب مقدس عهدین می‌باشد. عهدین متشکل از دو بخش عهد عتیق و عهد جدید بوده و عهد عتیق آن حاوی ۳۹ کتاب که ۵ کتاب نخست آن را اسفار خمسه (سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان و سفر تثبیه) یا تورات می‌نامند و به‌اتفاق مورد پذیرش یهود و مسیحیت می‌باشد. برخلاف عهد جدید که صرفاً مورد پذیرش مسیحیت است.

۲. کتاب مقدس، سفر اعداد ۳۵: ۱۲

مستوجب مرگ است کشته شود؛ از گواهی یک نفر کشته نشود.^۱ و «یک شاهد بر کسی برنخیزد، به هر تقصیر و هر گناه از جمیع گناهایی که کرده باشد، به گواهی دو شاهد یا به گواهی سه شاهد هر امری ثابت شود.^۲» و «هر که شخصی را بکشد پس قاتل به گواهی شاهدان کشته شود و یک شاهد برای کشته شدن کسی شهادت ندهد.^۳»

- برای اثبات جرم و لزوم عقاب، به جز عنصر مادی، نیت خصمانه و تعمد نیز ملاک شمرده شده است؛ بنابراین با صرف ارتکاب عمل سهوی جنایت، فاعل مستوجب عقوبت نبوده و برئ الذمه است مگر اینکه عنصر معنوی سوءنیت فرد همراه با شهادت دو شاهد محقق گردد: «و اگر سنگی را که کسی به آن کشته شود نادیده بر او بیندازد که بمیرد و با وی دشمنی نداشته و بدانندیش او نبوده باشد، پس جماعت در میان قاتل و ولی خون برحسب این احکام داوری نمایند و جماعت، قاتل را از دست ولی خون رهایی دهند و جماعت، وی را به شهر ملجائی او که به آن فرار کرده بود برگردانند و او در آنجا تا موت رئیس کهنه که به روغن مقدس مسح شده است، ساکن باشد.^۴» «هر که انسانی را بزند و او بمیرد، هرآینه کشته شود؛ اما اگر قصد او نداشت، بلکه خدا وی را به دستش رسانید، آنگاه مکانی برای تو معین کنم تا بدانجا فرار کند.^۵»

تلمود^۶

با بررسی بخش‌های مختلفی از تلمود نیز با قوانینی مواجه می‌شویم که نشان از جریان اصل برائت در شریعت یهود دارد؛ چنانکه می‌خوانیم:

«شهادت یک شاهد مورد قبول نیست.^۷». «اگر شهود بگویند ما دیدیم که متهم شمشیر در دست به دنبال مردی می‌دوید و کسی که مورد تعقیب قرار گرفته بود به دکانی پناه برد و متهم در پی او داخل دکان شد، وقتی ما به دنبال آنان وارد دکان شدیم، مرد تعقیب شده را کشته یافتیم و شمشیر را که خون از آن می‌چکید در دست متهم دیدیم، جماعت باید قاتل را از دست خونخواه مقتول

۱. همان، سفر تثبیه ۱۷: ۶

۲. همان، سفر تثبیه ۱۹: ۱۵

۳. همان، سفر اعداد ۳۵: ۳۰

۴. کتاب مقدس، سفر اعداد ۲۵: ۲۳ - ۲۵

۵. همان، سفر خروج ۲۱: ۱۲ - ۱۳

۶. یکی دیگر از منابع مهم و سترگ آیین یهود، کتاب تلمود است. در تلمود علاوه بر شریعت موسی، اندیشه سایر دانشمندان یهودی در تفسیر و تبیین شریعت بیان شده؛ از این رو به‌عنوان مهم‌ترین منبع فقهی حقوقی یهودیت محسوب می‌گردد. تلمود از دو بخش میشنا و گمارا تشکیل شده است.

۷. میشنا، روش هشتم، ۱: ۳

برهاند و او را به شهر پناهگاهش که بدان گریخته بود، بازگرداند.^۱»
بنابراین اصل بر براءت ذمه افراد بوده و با صرف اتهام و شهادت یک فرد جرمی به اثبات نرسیده، بلکه اثبات جنایت منوط به شهادت دو نفر است.

اصل براءت در آیین مسیحیت^۲

در مطالعه عهد جدید، با قوانینی همانند قوانین مطرح شده در ذیل عهد عتیق روبرویم که نشان از وجود قاعده‌ای مهم تحت عنوان براءت ذمه افراد از تکالیف بر جبین دارد.

- ملازمه اثبات جرم به شهادت دو شاهد؛ (اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی و اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت شود.^۳). (و نیز در شریعت شما مکتوب است که شهادت دو کس حق است.^۴). (به گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد.^۵) (ادعایی بر یکی از کشیشان جز به زبان دو یا سه شاهد میپذیرد.^۶). (هر که شریعت موسی را خوار شمرد، بدون رحم به دو یا سه شاهد کشته می‌شود.^۷)
- لزوم وجود عنصر معنوی سوءنیت فاعل در کنار عنصر مادی برای اثبات جرم؛ «خداوند یوشع را خطاب کرده، گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده، بگو: شهرهای ملجائی را که درباره آن‌ها به واسطه موسی به شما سخن گفتم، برای خود معین سازید تا قاتلی که کسی را سهواً و ندانسته کشته باشد به آن‌ها فرار کند و آن‌ها برای شما از ولی مقتول ملجائی باشد... و اگر ولی مقتول او را تعاقب کند، قاتل را به دست او نسیپارند، زیرا که همسایه خود را از نادانستگی کشته و او را پیش از آن

۱. توسیفتا، سنهدرین ۸: ۲

۲. چنانکه گذشت، کتاب مقدس عهدین، نخستین و مهم‌ترین منبع الهی است که از قداست ویژه‌ای نزد یهود و مسیحیت برخوردار است؛ هرچند از نگاه مسیحیان این مجموعه کتب توسط عیسی علیه السلام آورده نشده بلکه انجیل‌های چهارگانه توسط شاگردان عیسی علیه السلام نگارش یافته با تکیه بر اینکه مورد تائید روح القدس قرار گرفته است. برخلاف یهود که صرفاً عهد عتیق را معتبر می‌شمارند، مسیحیت عهد جدید را نیز که حاوی ۲۷ کتاب بوده که چهار کتاب نخست آن را اناجیل اربعه (انجیل‌های چهارگانه متی، لوقا، یوحنا و مرقس) می‌نامند، معتبر می‌دانند براین اساس برای اثبات وجود اصل براءت در شریعت مسیحیت، علاوه بر قوانین و مواردی که در ذیل عهد عتیق بیان شد، توجه به عهد جدید نیز ضروری است.

۳. کتاب مقدس، انجیل متی ۱۸: ۱۵ - ۱۶

۴. همان، انجیل یوحنا، ۸: ۱۷

۵. همان، دوم قرنتیان، ۱۳: ۱

۶. کتاب مقدس، اول تیموتائوس، ۵: ۱۹

۷. همان، رساله به عبارنیان ۱۰: ۲۸

دشمن نداشته بود.^۱»

برائت در نظام‌های حقوقی مدرن

پس از اینکه ردپایی از اصل برائت در ادیان بزرگ نشانه گرفتیم اکنون نگاهی کوتاه به موقعیت این اصل در نظام‌های حقوقی معاصر می‌افکنیم.

فرض بی‌گناهی در جوامع غربی

با فحوص در متون حقوقی و قوانین اساسی کشورهای غربی درمی‌یابیم برای نخستین بار در قرن ۱۸ میلادی و در راستای صیانت از حقوق فردی و اجتماعی، فرض بی‌گناهی افراد لحاظ شد. چنان‌که قانون اساسی ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۷۸۹ میلادی به تصویب رسیده و یکی از کهن‌ترین قانون‌های اساسی موجود است و در طول بیش از ۲۳۴ سال هنوز بر قوت و صلابت خود باقی بوده و صرفاً اصلاحیه‌هایی به آن افزوده شده است، در برخی از اصول و اصلاحیه‌ها یادآور اصل اولیه بی‌گناهی و به تعبیر دیگر برائت ذمه افراد شده است؛ به‌طور مثال:

- «هیچ‌گونه لایحه‌ای دایر بر مجازات افراد بدون محاکمه و یا قانونی که عطف به ما سبق گردد، نباید تصویب شود.»^۲
- «هیچ فردی به (جرم ارتکاب) خیانت محکوم نمی‌شود مگر بر اساس گواهی دو شاهد بر یک اقدام آشکار و یا اعتراف در دادگاه علنی.»^۳
- «حق امنیت جان، مسکن، اوراق و اسناد و [مصونیت] دارایی‌های مردم در برابر تفتیش و توقیف غیرموجه تضمین می‌شود و هیچ‌گونه حکم بازداشت اشخاص یا توقیف اموال صادر نمی‌شود مگر بر پایه یک دلیل محتمل با سوگند یا اعلام رسمی و محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شود دقیقاً باید مشخص شود.»^۴
- «هیچ شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین یا جرم نامعین مسئول شناخته نیست، مگر بر اساس «کیفرخواست یا اعلام جرم» هیئت عالی منصفه، مگر در موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا نیروهای شبه‌نظامی مردمی که عملاً در حال خدمت در زمان جنگ یا خطر عمومی باشند.

۱. کتاب مقدس، یوشع ۲۰: ۱-۵

۲. قانون اساسی آمریکا، اصل ۱، بخش ۹، شماره ۳

۳. همان، اصل ۳، بخش ۳، شماره ۱

۴. قانون اساسی آمریکا، اصل ۷، اصلاحیه چهارم، سال ۱۷۹۱ م

هیچ کس برای یک جرم دو بار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ کس در هیچ موردی کیفری به ادای شهادت علیه خود مجبور و یا از زندگی، آزاد و دارایی خویش بدون طی مراحل قانونی لازم محروم نخواهد شد. اموال خصوصی بدون پرداخت غرامت عادلانه مورد استفاده عمومی قرار نخواهد گرفت.^۱»

«کلیه افرادی که در ایالات متحده متولد شده یا تابعیت ایالات متحده را کسب نموده‌اند و تابع صلاحیت قضایی آن هستند تبعه ایالات متحده و تبعه ایالت محل اقامت خود می‌باشند. هیچ ایالتی قانونی را وضع یا اعمال نخواهد کرد که امتیازات یا مصونیت‌های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد و هیچ ایالتی کسی را بدون طی مراحل قانونی مقتضی از زندگی، آزادی، یا حق مالکیت و نیز از حمایت مساوی قانون در حوزه قضایی خود محروم نمی‌سازد.^۲»

در اصل ۶۶ قانون اساسی کنونی فرانسه که در ۴ اکتبر ۱۹۵۸ میلادی به رسمیت رسید، می‌خوانیم: «هیچ کس را نمی‌توان بدون دلیل توقیف کرد. قوه قضاییه که حافظ آزادی افراد می‌باشد به موجب قانون مسئول اجرای این اصل می‌باشد.^۳»

خلاصه اینکه فرض بی‌گناهی افراد همانند اصل برائت عقلی، اصلی مهم و قابل اعتنا در نزد همه مجامع حقوقی است.

آنچه مسطور شد فقط مواردی بود از موقعیت و جایگاه اصل برائت در ادیان و منابع حقوق و قانون. در این باره بر توسعه بحث بنا نهاده‌ایم؛ چراکه از حدود رسالت و حوصله این نوشتار خارج است. فقط به این نکته اشاره می‌شود که اصل برائت به خاطر برخورداری از ریشه‌های عمیق عقلی و فطری از ادیان و شرایع گذشته تا عصر حقوق نوین، بی‌گفتگو همواره به‌عنوان تضمین‌کننده مهمی برای صیانت آدمیان از حقوق مدنی و جزائی مدّ نظر بوده است. لیکن موقعیت این اصل در فقه و اصول اسلامی بسی گسترده‌تر و کارکردهای آن متنوع‌تر است و برائت نه تنها به‌مثابه قاعده‌ای آمره، تعیین‌کننده خط‌مشی قضات، حاکمان و مجریان قانون است، بلکه به‌مثابه قاعده‌ای سترگ در همه پهنه شریعت انبوهی از قضایای تشریحی را گروگان خود ساخته است. ضمن اینکه جستار پیش رو از گستره مبانی و ظرفیت‌های عظیم نظری این اصل در سیر تطور تاریخی خود پرده برمی‌دارد.

۱. همان

۲. قانون اساسی آمریکا، اصلاحیه چهاردهم، بخش ۱، سال ۱۸۶۸ م

۳. قانون اساسی فرانسه، اصل ۶۶

پیشینه تحقیق

راقمان این سطور پس از فحص و جستجوی لازم، در مورد موضوع «بررسی تحلیلی سیر تحول تاریخی اصل برائت در منابع اصولی فریقین» مجموعه مدون و مستقلی نیافته‌اند و می‌توان گفت: پژوهش‌های انجام‌گرفته در موضوع اصل برائت عمدتاً به ابعاد تئوریک و بررسی ادله اصل برائت اختصاص دارد و نگاه تاریخی در آن مغفول است؛ اما در اثر پیش رو علاوه بر بررسی سیر تحول اصل برائت در میان امامیه و اهل سنت و نحوه شکل‌گیری آن، به نقش مطالعات تاریخ تطور علم اصول در توسعه مفاهیم و احکام و پیشرفت مباحث اصولی اشاراتی شده است.

اهمیت تحقیق

تاریخ اصول، دانشی است که به پیدایش علم اصول از حیث زمان، کیفیت، علت پیدایش، سیر تطور و رشد تاریخی مسائل این علم در طول دوره‌های گوناگون، با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و انگیزه‌های گوناگون شخصی یا جمعی می‌پردازد و به تبع به محققان این علم، به‌ویژه مبدعان، صاحبان ابتکار و اندیشه‌ها و نظرهای آنان اشاره می‌کند.

اهمیت پژوهش تاریخی درباره اصل برائت از دو جنبه، مهم و قابل ملاحظه است:

۱. بسیاری از احکام، موضوعات و مسائل فقهی اعم از کلاسیک و نوپیدا که نص خاصی برایشان در دسترس نیست، بر پایه اصل برائت تبیین شده و محدود شده استفاده آن بسیار گسترش یافته است به‌گونه‌ای که به نقطه فارق میان اصولیان امامیه و اخباریان تبدیل شده است؛ بنابراین بررسی سیر تحول اصل برائت، از جایگاه مهمی در فقه و اصول برخوردار است.

۲. امروزه پژوهش تاریخی در مورد یک علم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نه به‌گونه‌ای افراطی که برخی به تاریخ‌زدگی مبتلا شده‌اند و تنها راه تکامل و رشد یک علم را در پرتو پژوهش‌های تاریخی یافته‌اند، بلکه از آن رو که نپرداختن به بررسی‌های تاریخی در علوم تقریباً محسوب است و موجب از دست رفتن ثمرات فراوان می‌شود؛ بنابراین اصل ثمربخش بودن پژوهش یا نگاه تاریخی از سوی پژوهشگران علوم انکار نشده است؛ براین اساس اثر پیش رو حلقه مفقوده‌ای از مباحث مرتبط به اصل برائت را تشکیل می‌دهد که در پیوند با تراش عظیم اصولی موجود بر غنای مطالعات مرتبط می‌افزاید.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، با تتبع در متون و نوشته‌ها اعم از

کاغذی و منابع دیجیتال و الکترونیکی مرتبط انجام گرفته است و پس از شناسایی مواضع بحث و انجام مطالعات، داده‌ها به‌طور مناسب ثبت و نگهداری و در ادامه، پردازش، طبقه‌بندی و بهره‌برداری شده است.

پیکربندی مباحث

مطالب این کتاب در قالب دو فصل و یک خاتمه گردآمده، در فصل اول به سیر تحول اصل براءت در منابع اصولی اهل سنت؛ در دو مبحث مرور تاریخی اصل براءت و نیز بررسی تفصیلی و محتوایی اصل براءت و در طی سه گفتار خاستگاه‌ها، مجاری و نوآوری پرداخته شده است. در فصل دوم نیز به سیر تحول اصل براءت در منابع علم اصول امامیه در دو بخش دوره‌های پیش از استقلال اصل براءت و پس از استقلال اصل براءت پرداخته شده و در خاتمه نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است. شایان ذکر است دلیل تقدیم فصل بررسی سیر تحول اصل براءت در تاریخ اصول اهل سنت بر امامیه، تقدم تاریخی دوره تصنیف مجموعه‌های اصولی اهل سنت بر امامیه است. در این میان این گمانه که ریشه‌های کهن دانش اصول در میان اهل سنت شکل گرفته و از آنجا وارد دیوان اصولی شیعه شده است نیز مورد سنجش و راستی‌آزمایی قرار می‌گیرد. نیز از آنجا که اهل سنت برخلاف امامیه به صورت غیرمستقل به مسئله براءت پرداخته‌اند و این مسئله در طول تاریخ اصول اهل سنت از دگرگونی و تحول اندکی برخوردار گشته، پیشی گرفتن فصل تطور تاریخی این اصل در اهل سنت موجب آماده شدن ذهن خواننده شده و توانایی مقایسه این مباحث را در دو حوزه به وی می‌بخشد.